مسأله فلسطین و آموزه های قرآن

مسأله فلسطین و آموزه های قرآن

سید محمود نبویان

چکیده

بیت المقدس، قبله اول مسلمانان جهان و منتهای سیر شبانه پیامبر اسلام o و نقطه شروع معراج ایشان است.[1] به همین جهت، دفاع از فلسطین، یک مسأله تاکتیکی و حتی یک مسأله سیاسی صرف نبوده بلکه یک مسأله اعتقادی است.

فلسطین مسأله اول جهان اسلام است، دنیای کفر و ظلم، با تمام قدرت خود در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... به جنگ اسلام و مسلمانان آمده است و مستکبرین عالم، با مبارزه با فلسطین در صدد نابودی اسلام و مسلمانان هستند.

متاسفانه بسیاری از سران کشورهای اسلامی برخلاف خواسته ملت های خود و ملت های جهان اسلام، منافع دنیوی خود را نصب العین خود قرار داده و در صدد سازش با دشمنان مسلمانان یعنی اسرائیل و آمریکا هستند.

اما آنچه که می تواند مشکل فلسطین را حل کند، توجه به آموزه های قرآن کریم از سوی ملت های مسلمان است. عدم پذیرش ولایت کفار-یعنی آمریکا و اسرائیل-، دشمنی با آنها به عنوان دشمنان اسلام، صبر و مقاومت در مبارزه با اسرائیل، نهراسیدن از مکر و دشمنی آنها و اعتماد به نصرت الهی، نرمش نشان ندادن در مقابل دشمن، دفاع از مردم مظلوم فلسطین و حفظ وحدت میان مسلمانان جهان، برخی از راه حل هایی است که قرآن کریم ارائه می کند. پیروی از آموزه های فوق موجب پیروزی مسلمانان و آزادی

فلسطین عزیز خواهد شد. انشاا

کلید واژه ها

آموزه، ولایت، مقاومت، عدم نرمش و وحدت.

مقدمه

فلسطین مسأله اول جهان اسلام است، دنیای کفر و ظلم، با تمام قدرت خود در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... به جنگ اسلام و مسلمانان آمده است و مستکبرین عالم، با مبارزه با فلسطین در صدد نابودی اسلام و مسلمانان هستند.

بیت المقدس، قبله اول مسلمانان جهان و منتهای سیر شبانه پیامبر اسلام صلی ا علیه و آله و نقطه شروع معراج ایشان است: «سُبْحانَ الَّذي أَسْری بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذي بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ».[2] به همین جهت، دفاع از فلسطین، یک مسأله تاکتیکی نیست، حتی یک مسأله سیاسی صرف نبوده بلکه یک مسأله اعتقادی است.

متاسفانه، وضعیت جهان اسلام در دفاع از کیان اعتقادی خود، امید بخش نیست، دنیای کفر و استکبار و در رأس آنها آمریکا و اسرائیل، در اهداف خود موفقیت هایی را به دست آورده اند. به ویژه سران منفعت طلب و هواپرست کشورهای اسلامی صرفا به دنبال تامین منافع و ارضای خواسته های خود بوده و در مسیر تحقق اهداف سران کفار گام می زنند، به گونه ای که برخلاف سابق، به صورت علنی به دنبال ایجاد رابطه با اسرائیل –یعنی غاصبان سرزمین مسلمانان مظلوم و قاتلان آنها – هستند.

در این وضعیت، آنچه که نجات بخش مسلمانان است توجه و عمل به آموزه های قرآنی و قطع امید از سران کشورهای اسلامی است، یعنی مسلمانان در صورتی می توانند علیه کفار و مشرکین و در رأس آنها آمریکای جهانخوار و اسرائیل آدم کش پیروز شوند که به قرآن کریم مراجعه کرده و آموزه های آن را عملی سازند. با عمل به آموزه های قرآنی می توان فلسطین را نجات داد.

برخی از مهمترین آموزه های نجات بخش قرآنی و مورد نیاز امروز جهان اسلام به قرار زیر است:

(1)- عدم پذیرش ولایت کفار

قرآن کریم، با تاکید بسیار، هرگونه پذیرش ولایت کفار از سوی مسلمانان را نهی کرده است. برای نمونه، به برخی از آیات قرآن کریم اشاره می‌کنیم:

- وَدّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَما كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَواءً فَلا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِياءَ.[3]

- لا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكافِرِينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ.[4]

- يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِياءَ تلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِما جاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهاداً فِي سَبيلي وَ ابْتِغاءَ مَرْضاتي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِما أَخْفَيْتُمْ وَ ما أَعْلَنْتُمْ وَ مَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبيلِ.[5]

- يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دينَكُمْ هُزُواً وَ لَعِباً مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِياءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.[6]

الف- معنای ولایت

ولایت به معنای مالکیت در تدبیر امور است، برای نمونه، ولیّ یک شخص، کسی است که مالك تدبیر امور و اموال او است، و در حالی که خود آنان مالك اموال خویشند، اما تدبیر امر اموالشان به دست ولیّ آنها است.

غیر از معنای فوق که معنای اصلی کلمه ولایت است، این کلمه به معنای حبّ، رهبری و نصرت نیز استعمال می شود.[7]

در آيات فوق، خداي سبحان ارتباط ولايي با كافران را ممنوع كرده است. ارتباط با كافران با برخي انگيزه‌ها، گناه كبيره و فسق بزرگ و گاه كفرآور است و كسي كه با آنان چنين رابطه ولايي برقرار كند، همانند آنان گرفتار غضب الهي خواهد شد.

راز ممنوع بودن پذيرش ولايت كافران ـ كه دوست دارند مؤمنان نيز كافر و همسان آنان شوند ـ تأثير سوء اين‌گونه روابط بر مؤمنان و پديدآوردن زمينه انحراف آنان از معارف دينى است. در واقع، پيامد ولاى كافران از دست دادن ايمان و رابطه با خداست.[8]

به عبارت ديگر، اگر ما كفار را اولياى خود بگيريم خواه ناخواه با آنان امتزاج روحى پيدا كرده و مستلزم آن است كه تابع آنان شده و از اخلاق و ساير شؤون حياتى آنان متاثر گرديم. وقتى يك فرد مؤمن نسبت به كفار ولايت داشته باشد، خود به خود خواص ايمان او و آثارش فاسد گشته، و به تدريج ايمانش تباه مى‌شود.[9]مطابق آيات قرآن، داشتن «مودّت» به كافران نيز ممنوع است.

بنابراين، پذيرش ولايت كفار-چه اينكه ولايت به معناى محبت باشد، يا نصرت و يا قيادت و رهبرى- مورد نهى خداى متعال است. براين اساس، مطابق آموزه هاى قرآن كريم، دوستى با آمريكا و اسرائيل، همكارى با آنها و پذيرش قيادت و رهبرى آنها ممنوع است.

ب- هركس به دنبال ولايت كفار باشد از خود كفار خواهد بود

در ديدگاه قرآن كريم، پذيرش ولايت كفار چنان مذموم است كه موجب مى شود مومن را تبديل به كافر كند:

- يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصارى أَوْلِياءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمينَ.[10]

ج- صفت منافقين، پذيرش ولايت كفار و كسب عزت از آنها است

در نظر قرآن كريم، در ميان مسلمان، تنها منافقين هستند كه به دنبال رابطه با كفار و پذيرش ولايت آنها هستند:

- بَشِّرِ الْمُنافِقينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذاباً أَليماً- الَّذينَ يَتَّخِذُونَ الْكافِرينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنينَ أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَميعاً.[11]

- إِنَّ الْمُنافِقينَ يُخادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خادِعُهُمْ وَ إِذا قامُوا إِلَى الصَّلاةِ قامُوا كُسالى يُراؤُنَ النَّاسَ وَ لا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلاَّ قَليلاً- مُذَبْذَبينَ بَيْنَ ذلِكَ لا إِلى هؤُلاءِ وَ لا إِلى هؤُلاءِ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبيلاً- إِنَّ الْمُنافِقينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصيراً.[12]

د- بیماردلان به دنبال ولایت کفار بوده و مردم را از دشمن می ترسانند

قرآن کریم، کسانی را که به دنبال رابطه با کفار و پذیرش ولایت آنها هستند، «بیماردل» می نامد:

- فَتَرَى الَّذينَ في قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسارِعُونَ فيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشى أَنْ تُصيبَنا دائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلى ما أَسَرُّوا في أَنْفُسِهِمْ نادِمينَ.[13]

ه- تهدید مومنین در صورت پذیرش ولایت کفار

به سبب نفرتی که خدای متعال از پذیرش ولایت کفار داشته و نیز به سبب ضررهای فراوان آن برای مسلمین، خدای متعال در قرآن کریم، مسلمانان را نسبت به این امر تهدید می کند:

- يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْكافِرينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنينَ أَتُريدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطاناً مُبيناً.[14]

- تَرى كَثيراً مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ ما قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذابِ هُمْ خالِدُونَ- وَ لَوْ كانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِياءَ وَ لكِنَّ كَثيراً مِنْهُمْ فاسِقُونَ.[15]

و- پذیرش ولایت کفار و اعتماد به آنها ساختن خانه بر تارهای عنکبوت است

در مورد بی فائده بودن پذیرش ولایت کفار می فرماید:

- مَثَلُ الَّذينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِياءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتاً وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ.[16]

- قُلْ مَنْ رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ لا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعاً وَ لا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمى وَ الْبَصيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُماتُ وَ النُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْواحِدُ الْقَهَّارُ.[17]

بنابراین، هرگونه رابطه با آمریکا و اسرائیل از نظر قرآن کریم ممنوع و موجب شکست مسلمانان خواهد بود.

ز- علت نهی از پذیرش ولایت کفار

قرآن کریم با بیان استدلال های گوناگون علت نهی از پذیرش ولایت کفار را بیان می کند:

1- دشمنی کفار با اصل اسلام بوده و آنها به دنبال نابودی اسلام هستند:

- ... وَ لا يَزالُونَ يُقاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دينِكُمْ إِنِ اسْتَطاعُوا.[18]

- وَ لَنْ تَرْضى عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لاَ النَّصارى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدى وَ لَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْواءَهُمْ بَعْدَ الَّذي جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ما لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لا نَصيرٍ.[19]

- وَ ما نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلاّ َ أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللّ َهِ الْعَزيزِ الْحَميدِ.[20]

2- کفار هیچ گاه به دوستی و نیز عهدی که با شما بسته اند وفا نخواهند کرد:

- كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لا يَرْقُبُوا فيكُمْ إِلاًّ وَ لا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْواهِهِمْ وَ تَأْبى قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثَرُهُمْ فاسِقُونَ- لا يَرْقُبُونَ في مُؤْمِنٍ إِلّا وَ لا ذِمَّةً وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ.[21]

بنابراین، مومنین هیچگاه نباید به کفار خوشبین باشند، زیرا نه به دوستی آنها اعتمادی هست و نه به عهد و پیمان آنها. هرگاه بر مسلمانان غلبه کنند دوستی و عهد و پیمانی که با مسلمانان بسته اند را نقض خواهند کرد.

مطابق آیات قرآن کریم، هر گونه اظهار مودت، پذیرش همکاری و قیادت و نیز خوشبینی به آمریکا و اسرائیل و ایجاد رابطه با آنها به ضرر مسلمانان خواهد بود و تنها راه نجات اسلام و فلسطین، مبارزه با اسرائیل است.

به تعبیر زیبای امام خمینی ره: «روابط ما با امریکا روابط يك مظلوم با يك ظالم است؛ روابط يك غارت شده با يك غارتگر است. [22]»

ایشان به ملتهای مسلمان گوشزد می کند که برای مستقل شدن و آزاد زیستن باید رابطه خود را با آمریکا –که هرچه بدبختی داریم از اوست- قطع کنند: «ملتهای شریف اسلامی ... برای آزاد زیستن و به استقلال تمام رسیدن، قطع روابط با ابرقدرتها خصوصاً امریکا نمایند. من کراراً گوشزد نموده ام که رابطه ما با امثال امریکا، رابطه ملت مظلوم با جهانخواران است.[23]»

(2)- دشمنی با اسرائیل و آمریکا

به تعبیر امام خمینی ره «آمریکا شیطان بزرگ [24] و دشمن شماره یک مسلمانان و مردم مستضعف جهان است.»[25]

همه می دانیم که اسرائیل غاصب نیز توسط مستکبرین عالم به ویژه آمریکای جهانخوار تاسیس شده و با

حمایت آنها جنایت های وسیعش را انجام می دهد.

براین اساس، قرآن کریم می فرماید، کفار، دشمنان آشکار شما هستند، و چون مانند شیطان، دشمن شما هستند، شما نیز مکلف هستید که با آنها دشمنی کنید:

- إِنَّ الْكافِرينَ كانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبيناً.[26]

- يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا بِطانَةً مِنْ دُونِكُمْ لا يَأْلُونَكُمْ خَبالاً وَدُّوا ما عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضاءُ مِنْ أَفْواهِهِمْ وَ ما تُخْفي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآياتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ.[27]

- إِنَّ الشَّيْطانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا.[28]

(3)- صبر و مقاومت در مبارزه با اسرائیل

در دیدگاه قرآن کریم، تنها راه پیروزی بر دشمنان، صبر و مقاومت است:

- إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِها وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِما يَعْمَلُونَ مُحيطٌ.[29]

- بَلى إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هذا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُسَوِّمينَ.[30]

(4)- نهراسیدن از مکر و دشمنی آنها و اعتماد به نصرت الهی

پشتوانه مسلمانان خدای متعال است، موجودی که تمام موجودات جهان معلول او و عین ربط و نیاز به او هستند،

و او قادر بر همه چیز است، از این رو، مسلمانان در مبارزه با دشمنان اسلام و سران کفار –یعنی

آمریکا و اسرائیل- نباید هراسی به خود راه دهند:

- الَّذینَ قالَ لَهُمُ النّاسُ إِنَّ النّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَکُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إیماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللّهُ وَ نِعْمَ الْوَکیلُ-فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوانَ اللّهِ وَ اللّهُ ذُو فَضْلٍ عَظیمٍ.[31]

- إِنَّ اللّهَ یُدافِعُ عَنِ الَّذینَ آمَنُوا إِنَّ اللّهَ لا یُحِبُّ کُلَّ خَوّانٍ کَفُورٍ- أُذِنَ لِلَّذینَ یُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللّهَ عَلی نَصْرِهِمْ لَقَدیرٌ- الَّذینَ أُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ إِلاّ أَنْ یَقُولُوا رَبُّنَا اللّهُ وَ لَوْ لا دَفْعُ اللّهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِیَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ یُذْکَرُ فیهَا اسْمُ اللّهِ کَثیراً وَ لَیَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ یَنْصُرُهُ إِنَّ اللّهَ لَقَوِیٌّ عَزیزٌ.[32]

(5)- نرمش نشان ندادن در مقابل دشمن

مطابق آیات قرآن کریم، در مقابل اسرائیل و آمریکای جهانخوار نباید هیچ گونه تسامح و نرمش نشان داد:

- یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا قاتِلُوا الَّذینَ یَلُونَکُمْ مِنَ الْکُفّارِ وَ لْیَجِدُوا فیکُمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ مَعَ الْمُتَّقینَ.[33]

- فَلا تُطِعِ الْمُکَذِّبینَ-وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَیُدْهِنُونَ.[34]

(6)- وظیفه مسلمین جهان دفاع از مردم مظلوم فلسطین است

وظیفه هر مسلمان آن است که در راه مستضعفین عالم به ویژه مسلمانان مظلوم فلسطین با غاصبین اسرائیلی و آمریکایی مبارزه و جهاد کند:

- وَ ما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الرِّجالِ وَ

النّ ِساءِ وَ الْوِلْدانِ الّ َذينَ يَقُولُونَ رَبّ َنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْيَةِ الظّ َالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيّ ًا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ نَصيراً.[35]-

(7)- وحدت میان مسلمین

از لوازم مهم پیروزی مسلمین بر کفار، وحدت میان آنها است. ملتهای مسلمان، واجد توانائی های خدادادی فراوانی هستند که در صورت اتحاد، پیروزی بر کفار، آسان خواهد شد. به همین جهت، دشمنان اسلام، سعی در تفرقه میان مسلمانان داشته ومتاسفانه در هدفشان نیز موفق بوده اند. قرآن کریم در آیات متعدد، مسلمانان را به وحدت دعوت می کند، از جمله:

- وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّ َهِ جَميعاً وَ لا تَفَرّ َقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّ َهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلّ َفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَ كُنْتُمْ عَلى شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النّ َارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْها كَذلِكَ يُبَيّ ِنُ اللّ َهُ لَكُمْ آياتِهِ لَعَلّ َكُمْ تَهْتَدُونَ.[36]

در آیه فوق، اولا: مراد از حبل ا، قرآن و پیامبر اسلام صلی ا علیه و آله و دستورات ایشان است، ثانیا: تکلیف اطاعت و عمل به قرآن و سنت، یک تکلیف اجتماعی است نه فردی، ثالثا: علت دستور به وحدت و نهی از تفرقه آن است که در صورت عدم وحدت، دشمنی میان شما حاکم خواهد شد.[37]

در مقابل، عدم وحدت و ایجاد تفرقه میان مسلمین، در دیدگاه قرآن کریم، موجب نتایج سخت و ناگواری است که به برخی از آنها اشاره می شود:

1- قرآن کریم، امت اسلامی را تهدید کرده و با تاکید تمام می فرماید در صورتی که بر ایمان به خداوند و آموزه های اسلامی متحد نباشند گرفتار عذابهای گوناگون الهی خواهند شد. یکی از آن عذابهای سخت، تحقق تفرقه میان امت اسلامی و درگیری گروه های مسلمان با هم و جنگ و خونریزی میان آنها خواهد بود، وضعیتی که امروزه با پدید آمدن گروه های افراطی و تکفیری مانند داعش شاهد آن هستیم:

- قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً وَ يُذيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ

كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآياتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ.[38]

مفسرین شیعه و سنی در تفسیر آیه فوق اتفاق نظر دارند که تفرقه میان امت اسلامی و جنگ و خونریزی بین مسلمین، عذابی است که خداوند بر جامعه اسلامی نازل می کند. از ابن عباس نیز نقل شده است که بعد از نزول این آیه، پیامبر صلی ا علیه و آله نگران شده و از خدای متعال رفع عذابهای بیان شده در آیه را از خدای متعال درخواست کرده است، اما خدای متعال، ارسال عذاب از بالای سر و زیرپای مسلمانان را رفع، ولی عذاب تفرقه میان مسلمانان را از امت اسلامی برنداشته است.[39]

2- تفرقه در دین و امت اسلامی، مستلزم إعراض پیامبر از تفرقه افکنان است، به عبارت دیگر، کسانی که سعی در تفرقه در میان مسلمانان دارند، این عده هیچ ارتباطی با اسلام و پیامبر اسلام صلی ا علیه وآله نداشته و پیامبر صلی ا علیه و آله نیز با آنها نخواهد بود، تکلیف این عده با خدای متعال است:

إِنَّ الَّذينَ فَرَّقُوا دينَهُمْ وَ كانُوا شِيَعاً لَسْتَ مِنْهُمْ في شَيْءٍ إِنَّما أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِما كانُوا يَفْعَلُونَ.[40]

3- ایجاد تفرقه میان امت اسلامی صفت مشرکان است. قرآن کریم تاکید می کند که دین اسلام، منطبق با فطرت بشر است، و در چنین دینی نباید تفرقه ایجاد کرد، از این رو، می فرماید مانند مشرکان نباشید که تفرقه ایجاد کرده و به گروه های مختلف منشعب شده اند:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها لا تَبْديلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُونَ- مُنيبينَ إِلَيْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكينَ- مِنَ الَّذينَ فَرَّقُوا دينَهُمْ وَ كانُوا شِيَعاً كُلُّ حِزْبٍ بِما لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ.[41]

با عنایت به اینکه در نگاه قرآنی، شرک بدترین گناه است و قابل مغفرت نیست: «إِنَّ اللَّهَ لا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ ما دُونَ ذلِكَ لِمَنْ يَشاءُ»[42] خدای متعال در این آیات، پس از اینکه به فطری بودن دین اسلام اشاره می کند و از مردم، توبه و تقوا و برپایی نماز –به علت اینکه در میان اعمال، نماز مهمتر از همه بوده و عمود دین می باشد- را مطالبه می کند، در

مقابل نیز به گناه شرک که بدترین گناه است اشاره نموده و امر می کند که مانند مشرکین نباشید، و در توصیف اختصاصی ترین ویژگی مشرکین در دین می فرماید، که آنها تفرقه در دین ایجاد کرده و گروه های مختلف را پدید می آورند، به طوری که هر گروهی بدنبال آرای خود می باشد.[43]

نتیجه گیری

1- مسأله فلسطین و دفاع از آن یک مسأله اعتقادی است نه یک تاکتیک و یا یک مسأله صرفا سیاسی.

2- وظیفه همه مسلمانان، نجات فلسطین از اشغال کفار یعنی آمریکا و اسرائیل است.

3- راه نجات مردم مظلوم فلسطین، توجه و عمل به آموزه های قرآن کریم است.

4- مسلمانان جهان باید از هرگونه پذیرش ولایت-یعنی دوستی، همکاری و قیادت- کفار (آمریکا و اسرائیل) پرهیز کنند.

5- کفار و در رأس آنها آمریکا و اسرائیل به دنبال نابودی اسلام هستند.

6- کفار هیچگاه به عهد و قرارداد خود وفا نمی کنند، و از این رو، به هیچ وجه نباید به آنها اعتماد کرد.

7- مسلمین جهان باید با آمریکا و اسرائیل اظهار دشمنی کنند، چون آنها شیطان و از کفار بوده و دشمن اسلام و مسلمین هستند.

8- در راه مبارزه با کفار باید صبر داشته و مقاومت کرد، تا به پیروزی رسید.

9- از دشمنی و مکر کفار نباید هراس داشت زیرا در صورت اخلاص و نصرت دین خداوند، نصرت الهی شامل مسلمانان خواهد شد.

10- برای نجات مردم فلسطین باید مبارزه کرد.

11- وحدت میان مسلمین، بزرگترین عامل پیروزی مسلمانان است، و تفرقه میان امت اسلامی، صفت مشرکان، موجب خروج از اسلام و غضب و عذاب الهی و جنگ و خونریزی میان مسلمانان خواهد شد.

به امید روزی که با وحدت و نیز اعتماد به خدای متعال، شاهد پیروزی مسلمانان بر آمریکای جهان خوار و نابودی اسرائیل غاصب و جنایتکار باشیم، و البته آن روز دور نیست: اَ لَیْسَ الصُّبْحُ بِقَرِیب.[44]

فهرست منابع

1- قرآن کریم

2- الطباطبائی،: سیدمحمدحسین، (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

3- طباطبائی، سید محمد حسین، (1374)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم،چاپ پنجم.

4- جوادی آملی، عبدا، (1378)، تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم.

5- زمخشری، محمود، (1407ق)، : الکشاف عن حقایق غوامض تنزیل وعیون الاقاویل فی وجوه التاویل، دارالکتاب العربی، بیروت.

6- فخررازی، محمدبن عمر، (1420ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

7- الموسوی الخمینی، سید روح ا، (1379)، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، تهران.

[1] . اسراء/1.

[2] . اسراء/1: منزّه و پاك است آن [خدایی] که شبی بندهاش [محمّد o] را از مسجدالحرام به مسجد اقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد، تا [بخشی] از نشانههایِ [عظمت و قدرت] خود را به او نشان دهیم؛ یقیناً او شنوا و داناست.

[3] . نساء/89: آنان دوست دارند همان گونه که خود کافر شدهاند، شما هم کافر شوید، تا [در کفر و ضلالت] با هم برابر و یکسان باشید. بنابراین از آنان دوستانی انتخاب نکنید تا آنکه در راه خدا [برای پذیرش دین] هجرت کنند؛ پس اگر [از هجرت] روی برتافتند [و به خیانت و جنایتشان بر ضد شما ادامه دادند] آنان را هر کجایافتید بگیرید و بکشید، و از آنان یار و یاوری نگیرید.

[4] . آل عمران/28: مؤمنان نباید کافران را به جای اهل ایمان، سرپرست و دوست بگیرند؛ و هر کس چنین کند در هیچ پیوند و رابطهای با خدا نیست،

[5] . ممتحنه/1: ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی مکنید، در حالی که آنان به طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده کافرند، و پیامبر و شما را به خاطر ایمانتان به خدا که پروردگار شماست [از وطن] بیرون مکنند، [پس آنان را دوستان خود مگیرید] اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودیم بیرون آمدهاید [چرا] مخفیانه به آنان پیام مدهید که دوستشان دارید؟ در حالی که من به آنچه پنهان مداشتید و آنچه آشکار کردید داناترم، و هر کس از شما با دشمنان من رابطه دوستی برقرار کند، مسلماً از راه راست منحرف شده است.

[6] . مائده/57: ای اهل ایمان! آنان را که دین شما را به مسخره گرفتهاند، چه از اهل کتاب و چه از کافران، سرپرستان و دوستان خود مگیرید؛ و اگر مؤمن هستید از خدا پروا کنید.

[7] . طباطبائی،سید محمد حسین، (1374)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج3، ص236.

[8] . ر.ک: جوادی آملی، عبدا، (1378)، تسنیم، ج13، ص626-624؛ ج21، ص 213.

[9] . ر.ک: طباطبائی،سید محمد حسین، (1374)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج3، ص239-237.

[10] . مائده/51: ای اهل ایمان! یهود و نصاری را سرپرستان و دوستان خود مگیرید، آنان سرپرستان و دوستان یکدیگرند [و تنها به روابط میان خود وفا دارند]. و هر کس از شما، یهود و نصاری را سرپرست و دوست خود گیرد از زمره آنان است؛ بىتردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمىکند.

[11] . نساء/139-138: منافقان را بشارت ده که عذابی دردناك برای آنان است-همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان ْ سرپرست و دوست خود مىگیرند؛ آیا عزت و قدرت را نزد آنان مىطلبند؟ یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست.

[12] . نساء/143-142 و 145: منافقان همواره با خدا نیرنگ مىکنند، و حال آنکه خدا کیفر دهنده نیرنگ آنان است. و هنگامی که به نماز مىایستند، با کسالت مىایستند، و همواره در برابر مردم ریاکاری مىکنند؛ و خدا را جز اندکی به یاد نمىآورند- منافقان میان کفر و ایمان متحیّر و سرگردانند، نه [با تمام وجود] با مؤمنانند و نا با کافران. و هر که را خدا [به کیفر اعمال زشتش] گمراه کند، هرگز برای او راهی [به سوی هدایت] نخواهی یافت- بىتردید منافقان در پایینترین طبقه از آتشاند، و هرگز برای آنان یاوری نخواهی یافت.

[13] . مائده/52: کسانی که در دلهایشان بیماری [دورویی] است، مىبینی که در دوستی با یهود و نصاری شتاب مىورزند و [بر پایه خیال باطلشان که مبادا اسلام و مسلمانان تکیهگاه استواری نباشند] مىگویند: مىترسیم آسیب و گزند ناگواری به ما برسد [به این سبب باید برای دوستی به سوی یهود و نصاری بشتابیم]. امید است خدا از سوی خود پیروزی یا واقعیت دیگری [به نفع مسلمانان] پیش آرد تا این بیماردلان بر آنچه در دل هایشان پنهان مىداشتند، پشیمان شوند.

[14] . نساء/144: ای اهل ایمان! کافران را به جای مؤمنان، سرپرست و یار خود مگیرید. آیا مىخواهید برای خدا بر ضد خودتان دلیلی آشکار [نسبت به عذابتان در دنیا و آخرت] قرار دهید؟!.

[15] . مائده/81-80: بسیاری از آنان را مىبینی که با کسانی که کفر ورزیدند، همواره دوستی مىکنند. قطعاً بد است آنچه نفوسِ [طغیان گرشان برای قیامت] آنان پیش فرستاده است؛ [و نتیجه آن این است] که خدا بر آنان خشم گرفت و در عذاب جاودانهاند- اگر به خدا و پیامبر و آنچه بر او

نازل شده ایمان مىآوردند، [از برکت آن ایمان] کفّار و مشرکان را سرپرست و دوست خود نمىگرفتند؛ ولى بسیارى از آنان فاسقاند.

[16] . عنکبوت 41: داستان کسانى که به جاى خدا سرپرستانى گرفتهاند، مانند داستان عنکبوت است که خانهاى [بىدیوار، بىسقف و بىحفاظ] براى خود بنا کرده باشد، و بىترددید سستترین خانهها خانه عنکبوت است، اگر [به این واقعیت] معرفت و شناخت داشتند [بتها را سرپرستان خود نمىگرفتند.]

[17] . رعد 16: [به مشرکان] بگو: پروردگار آسمانها و زمین کیست؟ [خود بىدرنگ] بگو: خداى یکتاست. بگو: آیا سرپرستان و معبودانى به جاى او انتخاب کردهاید که اختیار هیچ سود و زیانى را براى خودشان ندارند [چه رسد براى شما؟] بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند یا تاریکى و نور برابرند؟ یا آنان شریکانى براى خدا قرار دادند [به خیال آنکه] مانند آفرینش خدا چیزى آفریدهاند، آن گاه آفریده خدا و آفریده شریکان بر آنان مشتبه شده؟ بگو: آفریننده همه چیز فقط خداست و تنها او یکتاى پیروز است.

[18] . بقره/217: ... و مشرکان همواره با شما مىجنگند تا شما را اگر بتوانند از دینتان برگردانند.

[19] . بقره/120: یهود و نصارى هرگز از تو راضى نمىشوند تا آنکه از آیینشان پیروى کنى. بگو: مسلماً هدایت خدا فقط هدایت [واقعى] است. و اگر پس از دانشى که [چون قرآن] برایت آمده از هوا و هوسهاى آنان پیروى کنى، از سوى خدا هیچ سرپرست و یاورى براى تو نخواهد بود.

[20] . بروج/8: و با آنان کینهتوزى نکردند مگر از آن رو که آنان به خداوند پیروزمند ستوده، ایمان داشتند.

[21] . توبه/8 و 10: چگونه [مشرکان بر پیمان خود پاى بندند؟] و در صورتى که اگر بر شما چیره شوند، نه [پیوندِ] خویشاوندى را در حقّ شما رعایت مىکنند، نه پیمانى را!! شما را با زبانشان خشنود مىکنند، ولى دلهایشان [از خشنود کردن شما] امتناع دارد و بیشترشان فاسقند- در حقّ هیچ مؤمنى رعایتِ [پیوندِ] خویشاوندى و پیمانى را نمىکنند؛ و آنان همان تجاوز کارانند.

[22] . الموسوى الخمینى، سید روح ا، (1379)، صحیفه امام، ج۷، ص۳۵۷.

[23] . همان، ج۱۲، ص۲۳۳.

[24] . همان، ج۱۰، ص۴۸۹.

[25] . همان، ج۱۳، ص۲۱۳-۲۱۲.

[26] . نساء/101: کافران دشمن آشکار شما هستند.

[27] . آل عمران/118: ای کسانی که ایمان آورده اید از غیر خودتان (برای خود) هم رازی نگیرید، آنها در زیان رساندن به شما کوتاهی نخواهند کرد، رنج بردن شما را آنها دوست می دارند، دشمنی از گفتارشان آشکار است و آنچه در سینه های خود (از دشمنی با شما) پنهان می کنند بزرگتر است (از آنچه آشکار می سازند)، ما به خوبی نشانه ها (ی دوست و دشمن) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه و تعقل کنید.

[28] . فاطر/6: مسلما شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بگیرید.

[29] . آل عمران/120: اگر نیکی به شما برسد ناراحت می شوند، واگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد خوشحال می گردند، (اما) اگر (در برابر) آنها استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید نقشه های (خائنانه) آنها به شما زیانی نمی رساند،خداوند به آنچه آنها انجام می دهند محیط است.

[30] . آل عمران/125: آری اگر استقامت و تقوا پیشه کنید-و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید- خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه های مخصوصی دارند مدد خواهد کرد.

[31] .آل عمران/174-173:اینها کسانی بودند که (بعضی از مردم) به آنها گفتند: مردم (لشکر دشمن) برای حمله به شما اجتماع کردند، از آنها بترسید، اما این سخن بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را کافی است و بهترین حامی ما است.به همین جهت، آنها با نعمت و فضل پروردگار بازگشتند، در حالی که هیچ ناراحتی به آنها نرسید و از رضای خدا پیروی کردند، و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است.

[32] . حج/40-38: مسلماً خدا از مؤمنان دفاع مىكند، قطعاً خدا هیچ خیانت کار ناسپاسی را دوست ندارد. به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار مىگیرند، به سبب آنکه به آنان ستم شده

اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست. همانان که به ناحق از خانه‌هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خدا است و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، همانا صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدهایی که در آنها بسیار نام خدا ذکر می‌شود به شدت ویران می‌شدند؛ و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می‌دهند یاری می‌رساند؛ مسلماً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.

[33] . توبه/123:ای کسانی که ایمان آورده اید با کافرانی که به شما نزدیکترند پیکار کنید و آنها باید در شما شدت و خشونت احساس کنند، و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.

[34] . قلم/9-8: پس از تکذیب کنندگان فرمان مبر- آنها دوست دارند که تو نرمش نشان دهی تا آنها نیز نرمش کنند.

[35] . نساء/75: چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند پیکار نمی کنید؟ همان افرادی که می گویند خدایا ما را از این شهر که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده و از برای ما از طرف خود یارویاوری تعیین فرما.

[36] . آل عمران/103: و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت علیهم السلام] چنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دلهای شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، ولی شما را از آن نجات داد؛ خدا این گونه، نشانه‌های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شما روشن می‌سازد تا هدایت شوید.

[37] . نک: الطباطبائی، سیدمحمدحسین، (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج3، ص369.

[38] . انعام/65: بگو او قادر است که عذابی از طرف فوق یا از زیرپای شما بر شما بفرستد یا به صورت دسته های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند ببین چگونه آیات گوناگون را برای آنها بازگو می کنیم شاید بفهمند (و بازگردند).

[39] . فخررازی،محمدبن عمر، (1420ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج13، ص21-20: (عن ابن عباس رضي اللّه عنهما: لما نزل جبريل عليه السلام بهذه الآية شق ذلك على الرسول عليه/ الصلاة و السلام و قال: «ما بقاء أمتي إن عوملوا بذلك» فقال له جبريل: إنما أنا عبد مثلك فادع ربك لأمتك، فسأل ربه أن لا يفعل بهم ذلك. فقال جبريل: إن اللّه قد أمنهم من خصلتين أن لا يبعث عليهم عذابا من فوقهم كما بعثه على قوم نوح و لوط، و لا من تحت أرجلهم كما خسف بقارون و لم يجرهم من أن يلبسهم شيعا بالأهواء المختلفة و يذيق بعضهم بأس بعض بالسيف.)؛ نیز نک: زمخشری، محمود، (1407ق)، الکشاف عن حقایق غوامض تنزیل وعیون الاقاویل فی وجوه التاویل، ج2، ص33؛ الطباطبائی،سیدمحمدحسین، (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج7، ص137-135.

[40] .انعام/159: مسلماً کسانی که دینشان را بخش بخش کردند، وگروه گروه شدند، تو را هیچ پیوندی با آنان نیست، کار آنان فقط با خداست، سپس به اعمالی که همواره انجام می‌دادند، آگاهشان می‌کند. نک: الطباطبائی،سیدمحمدحسین، (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج7، ص390-389؛ فخررازی،محمدبن عمر، (1420ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج14، ص189.

[41] . روم/32-30: پس [با توجه به بی‌پایه بودن شرک] حق‌گرایانه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین [توحیدی] روی آور، [پای‌بند و استوار بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش برای آفرینش خدا هیچگونه تغییر و تبدیلی نیست؛ این است دین درست و استوار؛ ولی بیشتر مردم معرفت و دانش [به این حقیقت اصیل] ندارند. -[پای‌بند به همان سرشت خدایی باشید] در حالی که روی‌آورندگان به سوی او هستید و از او پروا کنید و نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید.
-مشرکانی که دینشان را بخش بخش کردند و [سرانجام] گروه گروه شدند، در حالی که هر گروهی به آنچه [از بخشی از دین] نزد آنان است [به تصور اینکه حق است] شادمانند!

[42] . نساء/48: مسلماً خدا این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌آمرزد، و غیر آن را برای هر کس که بخواهد می‌آمرزد.

[43] . نک: الطباطبائی،سیدمحمدحسین، (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج16، ص182: (و قوله: «وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» القول في اختصاصه من بين المحرمات بالذكر نظير القول في الصلاة فالشرك با أكبر الكبائر الموبقة، و قد قال تعالى:«إِنَّ اللَّهَ لا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ

وَ يَغْفِرُ ما دُونَ ذلِكَ لِمَنْ يَشاءُ»،: النساء: 48 إلى غير ذلك من الآياتقوله تعالى: «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كانُوا شِيَعاً كُلُّ حِزْبٍ بِما لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» «من» للتبيين و «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ» إلخ، بيان للمشركين و فيه تعريفهم بأخص صفاتهم في دينهم و هو تفرقهم في دينهم و عودهم شيعة شيعة و حزبا حزبا يفرح و يسر كل شيعة و حزب بما عندهم من الدين و السبب في ذلك ما ذكره قبيل هذا بقوله: «بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْواءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرِينَ» فبين أنهم بنوا دينهم على أساس الأهواء و أنه لا يهديهم و لا هادي غيره. و من المعلوم أن هوى النفس لا يتفق في النفوس بل و لا يثبت على حال واحدة دون أن يختلف باختلاف الأحوال و إذا كان هو الأساس للدين لم يلبث دون أن يسير بسير الأهواء و ينزل بنزولها، و لا فرق في ذلك بين الدين الباطل و الدين الحق المبني على أساس الهوى.)

[44] . هود/81.